

ترویج هنر خطاطی
 در دوران امپراطوری
 گورکانیان آغاز شد؛
 هنگامی که همایون
 در ربع دوم قرن
 شانزدهم میلادی در
 موقع بازگشت از
 ایران هنرمندان
 پراستعدادی چون
 میر عبدالصمد شیرازی
 شیرین رقم، سید علی
 و نظیر آنها را با خود
 به هند آورد و آهنگ
 رشد و توسعه‌ی آن
 سریع‌تر گردید



حکومت‌ها در مناطق یاد شده، مهاجرت ایرانیانی که بیشتر آنها را
 تجار و بازرگانان تشکیل می‌دادند، به گجرات آغاز شده بود و گواه
 این مسئله نوشته‌های روی مقابر کسانی از اقشار مختلف مردم
 ایران (از جمله یک شاعر ایرانی به نام زین‌الدین علی متخلص
 به سالاری) است که به این خطه مهاجرت نموده بودند. این
 نوشته‌ها به خاطر خطاطی بسیار هنرمندانه‌ی آنها که به خط
 کوفی و نسخ رقاع آمیز تزیین شده‌اند، قابل تحسین و به طور حتم
 می‌بایست از آثار هنرمندان ایرانی باشند.

برخلاف گجرات، نفوذ ایرانیان در دکن از همان آغاز بسیار
 گسترده، طولانی و با ثبات بود. تعداد قابل ملاحظه‌ای از مقامات
 حکومت بهمنی‌ها از جمله وزراء، فرماندهان ارتش و فرمانداران را
 ایرانیان تشکیل می‌دادند و طبیعی است که تعداد زیادی از بازرگانان،
 هنرمندان، شعرا و دانشمندان آن کشور نیز به این خطه آمده باشند؛
 و همان گونه که همگان می‌دانند، شاه احمد ولی بهمنی احترام بسیار
 زیادی برای عارف مشهور ایرانی شاه نعمت‌الله ولی حسینی کرمانی
 قائل بود و به منظور بزرگداشت و تجلیل از مقام وی آرامگاهی
 برایش در ایران ساخت و کتیبه‌ای سنگی بر بقعه‌ی وی نصب
 کرد. بعدها پسران و نوادگان شاه نعمت‌الله ولی به پایتخت
 حکومت بهمنی‌ها یعنی بیدر آمده و در آنجا اسکان گزیدند. در
 نتیجه مشاهده می‌شود که برخلاف شمال هند، در جاهایی چون
 بیدر نمونه‌های خطاطی بسیار عالی و برجسته‌ای بر روی سنگ
 و یا بر روی کاشی از قرن پانزدهم میلادی به جای مانده است.

بیجاپور، گلکنده و حیدرآباد و دیگر سنگ نوشته‌های عالی دوران
 حکومت گورکانیان نام برد.

ترویج هنر خطاطی در دوران امپراطوری گورکانیان آغاز شد؛
 به خصوص هنگامی که همایون در ربع دوم قرن شانزدهم
 میلادی در موقع بازگشت از تبعید (ایران) هنرمندان پراستعدادی
 چون میر عبدالصمد شیرازی شیرین رقم، سید علی و نظیر آنها را
 با خود به هند آورد و آهنگ رشد و توسعه‌ی آن سریع‌تر گردید.
 بعدها تعداد زیادی از خطاطان ایرانی که مجذوب توجهات
 جانشینان همایون یعنی اکبر، جهانگیر و شاه جهان به هنر شده
 بودند، هند را به عنوان وطن جدید خود برگزیده و آثار خطاطی
 بسیاری را در اشکال گوناگون مانند نسخه‌های خطی، کتیبه‌های
 کاغذی (که در ایران «قطعات» و در هند «وصلی» نامیده
 می‌شدند) و نیز سنگ نوشته‌ها و معرق سنگ و یا خطاطی با
 رنگ بر روی سنگ‌های قیمتی و فلزات، به وجود آوردند.

تقریباً در همان دوران و یا کمی قبل از آن تأثیر هنر خطاطی
 در هنر، فرهنگ و معماری دکن نیز مشاهده می‌شود. تأسیس
 حکومت‌های مستقل در گلبرگا و بیدر و به دنبال آن در گلکنده،
 بیجاپور، احمدنگر و غیره در اواسط قرن چهاردهم و اوایل قرن
 شانزدهم میلادی توسط حکمرانان ایرانی الاصل، فتح بابی بود
 برای مهاجرت ایرانیان که در نتیجه آن دانشمندان، شعرا و
 هنرمندان مهاجر ایرانی زندگی و فرهنگ این منطقه را شکوفا
 ساختند. ضمن اینکه مشاهده می‌شود مدت‌ها قبل از تشکیل این

سهم هنرمندان ایرانی در خطاطی اسلامی هند

دکتر ضیاءالدین دسائی

رئیس اسبق بخش کتیبه‌شناسی،

مرکز باستان‌شناسی هند، ناگپور

ترجمه: دکتر محسن شجاع‌خانی



امکان استفاده از مربع‌ها، دایره‌ها، بیضی‌ها، حلقه‌ها و دیگر اشکال هندسی را می‌دهد که می‌توان آنها را به طرح‌های گوناگون و نامحدودی تبدیل نمود. ایرانیان اولین مسلمانان غیرعربی بودند که خط و زبان عربی را اختیار و از انعطاف‌پذیری آن کمال استفاده را برده و زیباترین آثار خطاطی را آفریدند.

به این ترتیب خطاطی به عنوان یک هنر ظریف از جایگاه ویژه‌ای در میان پیروان اسلام برخوردار شد. شبه قاره‌ی هند نیز از این قاعده مستثنی نبود و از ابتدای ورود اسلام به این سرزمین و به خصوص در بناهای تاریخی، هنر خطاطی جایگاه خاصی داشت و کتیبه‌های هنرمندانه در کنار طرح‌های گلدار و موزون زینت بخش آثار معماری گردیدند. برای مثال کتیبه‌های خط کوفی در بامپور (Bhambore) در سند (پاکستان) و در گجرات هند و کتیبه‌های خط ثلث بر مساجد دهلی و اجمیر از نمونه‌های خطاطی قرون هشتم، نهم و دوازدهم و سیزدهم میلادی هستند. بعد از آن در قرون ۱۳ و ۱۴ به انواع معمول و غیرمعمول خطاطی بسیار عالی بر روی بناهای تاریخی و سنگ‌های مقابر در تمامی شبه قاره برمی‌خوریم. برای مثال می‌توان از نمونه‌های خط نسخ، رقاع و ریحان بر روی سنگ‌های مقابر گجرات و خط بسیار زیبایی ثلث بر روی سنگ نوشته‌های بنگال و به مقیاس کمتر در گجرات و راجستان که به وسیله‌ی تصاویر زیبایی شبیه به تیر و کمان، ردیفی از فانوس، پرندگان درحال پرواز، مرغابیانی که با گردن‌های کشیده بر روی آب پرواز می‌کنند، مارهای گردن افراشته و مانند آنها تزیین شده‌اند و همچنین از سنگ نوشته‌های بسیار دلپذیر خط ثلث در

«حروف الفبا که اساس هر خطی را تشکیل می‌دهند؛ بیان‌کننده‌ی نوعی خرد می‌باشند؛ تکه‌ی ابر سیاهی که آستن معانی است؛ صامت اما بسیار گویا، بی‌حرکت اما در حال سیر، بر زمین قرار گرفته و در عین حال پویانده در هوا». این کلمات ابوالفضل، به درستی بیانگر طرز تلقی مسلمانان اعصار، مناطق و طبقات مختلف نسبت به خط و خطاطی می‌باشد که همواره مورد توجه خاص آنان بود؛ به ویژه به خاطر تأکید بسیاری که به فراگیری کلام خدا یعنی قرآن و علوم منبعت از آن می‌باشد. توسعه‌ی خط به عنوان یک هنر از آن رو بود که کتابت قرآن مجید به زیباترین و هنرمندانه‌ترین نوع خطاطی، عملی صالح به شمار آمده و ضامن ثواب دنیوی و اخروی برای خطاط بود. بدین ترتیب خط عربی به یکی از پیشرفته‌ترین ابزار هنری تبدیل شد و هنرمندان مسلمان بسیاری در سراسر جهان اسلام و به خصوص در ایران، افغانستان، آسیای میانه، ترکیه و شبه قاره‌ی هند به آن روی آوردند. در فرهنگی که مشوق نقاشی و مجسمه‌سازی از جانداران نمی‌باشد (اگرچه کاملاً آن را منع نمی‌کند)، هنر می‌بایست به گونه‌ای جذاب و بر اساس اشکال هندسی و طرح‌های گل مانند متجلی شود. برای این کار خط عربی کاملاً مناسب بود، زیرا ساختار حروف آن براساس قوانین ریاضی این امکان را به وجود می‌آورد که به اشکال مختلف نوشته شود. این حروف که از ترکیب حرکات عمودی و افقی قلم، با انحناهای برجسته و در اندازه‌های متقارن به وجود می‌آیند، ترسیم خطوط موزون و دلپذیر را برای هنرمند امکان‌پذیر می‌سازند. انعطاف‌پذیری خاص این خط، به خطاط

عبدالرحیم هروی خطاط
 بسیار برجسته‌ای بود و از
 آثارش علاوه بر وصلی
 می‌توان از نسخه‌ی
 خطی بسیار زیبای
 موسوم به عیار دانش،
 خلاصه‌ی کلیله و دمنه
 (نه کتاب حسن واعظ
 کاشفی موسوم به انوار
 سهیلی) است نام برد که
 به عقیده‌ی تاریخ‌هنر
 نویسان هندی و خارجی
 به زیباترین سبک نستعلیق
 کتابت شده است



نظر می‌رسد که عبدالرحیم هروی که بعدها در زمان جهانگیر لقب روشن قلم گرفت، مدتی نیز با کتابخانه‌ی مذکور ارتباط داشته است.

در زمان جهانگیر نیز به خطاطان تراز اولی برمی‌خوریم که از جمله‌ی آنها افراد زیر را می‌توان نام برد:

عبدالرحیم هروی روشن قلم جهانگیر شاهی که کتاب چهل مجلس اثر صوفی معروف ایرانی، میر علاءالدین سمنانی را به خط نستعلیق بسیار زیبا در سال ۱۶۱۱ م کتابت نمود. این نسخه ابتدا در موزه‌ی قلعه‌ی سرخ دهلی قرار داشت و اکنون به موزه‌ی تاج محل آگرا منتقل شده است. از میان آثار وی تعدادی وصلی به خط بسیار عالی نسخ وجود دارد که در مجموعه‌های هنری هند و خارج از هند یافت می‌شوند؛ عبدالرحیم عنبرین قلم (که بعضی معتقدند همان روشن قلم می‌باشد) شاگرد میرعلی، که بنا بر گفته‌ی خودش (در قطعه‌ی شعری که در سال ۱۶۱۸ م کتابت نمود) استاد برجسته‌ی خط نستعلیق بوده، آثاری به شکل وصلی و نسخه‌های خطی از خود به جای گذاشته است؛ عبدالله الحسینی که تعدادی از وصلی‌های وی شناخته شده‌اند؛ زین‌الدین علی شیرازی که با خط زیبای نسخ یک تفسیر شیعی منصوب به فردی به نام میرمرتضی را برای یکی از امرای دربار اکبر و جهانگیر به نام شیخ فرید مرتضی خان بخاری در سال ۱۶۱۶ م. کتابت نمود. این نسخه هم اکنون در کتابخانه‌ی موزه‌ی سالار جنگ می‌باشد؛ و بالاخره عبدالحق بن قاسم شیرازی استاد خط نسخ و ثلث که تا زمان شاه جهان به خدمت مشغول بود.

و دمنه (نه کتاب حسن واعظ کاشفی موسوم به انوار سهیلی) که به عقیده‌ی تاریخ‌هنر نویسان هندی و خارجی به زیباترین سبک خط نستعلیق کتابت شده، نام برد. این کتاب در حال حاضر در موزه‌ی بهارت کلاً بهون در دانشگاه بنارس، همان موزه‌ای که نسخه‌ی بسیار نفیسی از گلستان سعدی کتابت شده توسط محمد باقر (در سال ۱۵۶۴ میلادی) فرزند میرعلی هنرمند مملوکه‌ی امیر بزرگ اکبر منعم خان خانان نگهداری می‌شود؛ میربایزید بن سلطان هروی متخلص به دوری و ملقب به کاتب الملک، خطاط کتیبه‌ی بسیار زیبایی است به خط نستعلیق (۱۵۶۹ میلادی) در یکی از قریه‌های ناگور راجستان. وی دو اثر نستعلیق مشهور به نام‌های دولرانی خضر خان از امیر خسرو و ترجمه‌ی منظوم چهل حدیث مولانا جامی را نیز از خود به جای گذاشته که زینت بخش موزه‌ی ملی هند در دهلی نو و موزه‌ی سالار جنگ در حیدرآباد می‌باشند. محمد باقی سمرقندی که نمونه‌ی خطاطی وی بر روی کاغذ هنوز به دست نیامده، بر اساس شواهد به دست آمده از جمله کتیبه‌های مقبره‌ی شمس‌الدین اتگه خان (پدر خوانده اکبر و پدر خان اعظم میرزا عزیز کوکه) در نظام‌الدین بستی دهلی نو، بدون شک یکی از استادان برجسته خط ثلث بوده است. ملا عبدالباقی نهبودی در کتاب قطور خود مآثر رحیمی از خطاطان ایرانی چون مولانا درویش ترابی و پسرش محمد قاسم، شجاعت شیرازی، و ملا مؤمن هروی، و محمد باقر کاشی و آقا محمد شیرازی نام می‌برد که ابتدا از ایران به بیجاپور آمده و به خدمت اکبر درآمدند و در کتابخانه‌ی عبدالرحیم خان خانان مشغول خطاطی شدند. به



شاه احمد ولی
 بهمنی احترام بسیار
 زیادی برای عارف
 مشهور ایرانی شاه
 نعمت الله ولی حسینی
 کرمانی قائل بود و به
 منظور بزرگداشت و
 تجلیل از مقام وی
 آرامگاهی برایش در
 ایران ساخت و
 کتیبه‌ای سنگی بر
 بقعه‌ی وی نصب کرد

شهابی است که از حمایت برادر همایون یعنی میرزا کامران که خود را شاه کابل می خواند، برخوردار بود. این خواجه دیوان میرزا کامران را کتابت نموده بود که یکی از کتاب‌های بسیار نفیس در کتابخانه‌ی جهانگیر و شاه جهان به شمار می رفت و در حال حاضر در کتابخانه‌ی خدابخش در شهر پتنا نگهداری می شود.

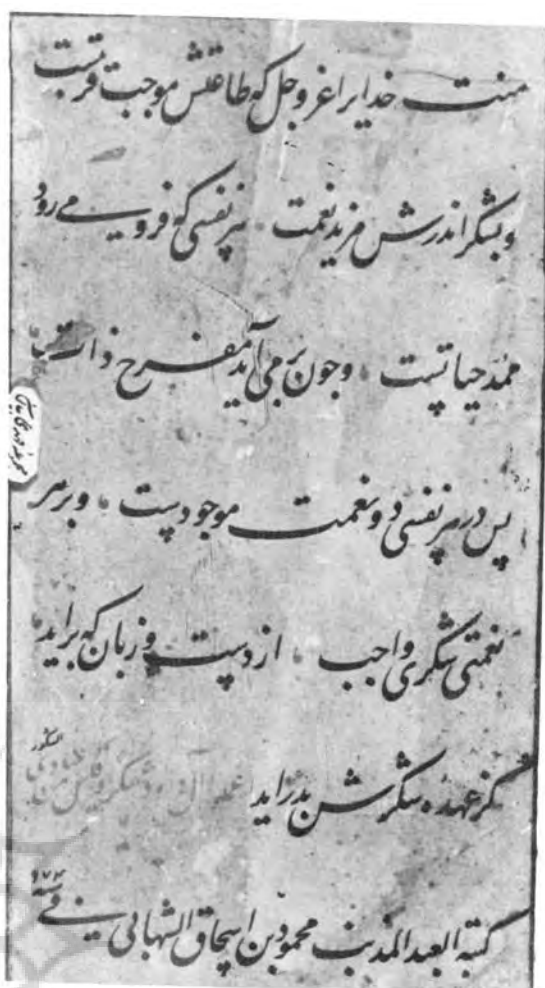
در زمان اکبر در شمال هند و در عهد حکومت عادل شاهیان و نظام شاهیان در دکن، تعداد زیادی از ادبا و هنرمندان ایرانی که اغلب صاحب هر دو ویژگی بودند، سهم به سزایی در توسعه و گسترش هنر خطاطی داشتند. برجسته ترین خطاطان دوران اکبر عبارتند از: عنایت‌الله شیرازی که در کتابخانه‌ی سلطنتی کار می کرد و کتابت نسخه‌ی مصور ترجمه‌ی فارسی مهابهارت را که رزم‌نامه خوانده می شد و اکنون در کتابخانه‌ی مهاراجای سابق جی پور می باشد، انجام داد؛ میرمنشی محمد اصغر معروف به اشرف خان که دکتر مهدی بیانی برجسته ترین شرح حال (تذکره) نویس معاصر (که اینجانب افتخار همنشینی با ایشان را در طول یکسال اقامتم در ایران در سال ۱۹۵۸ میلادی داشتم) از وی نام می برد. دکتر بیانی از تنها اثر خطاطی به جای مانده‌ی وی (یک وصلی) که تاریخ آن به ۱۵۸۲ میلادی می رسد، بی اطلاع بود و اینجانب آن را در یکی از یک صد و چند آلبوم بزرگ خطاطی موزه سالار جنگ حیدرآباد یافتم؛ طالعی یزدی و سلطان محمد وصالی که نمونه‌های خطاطی آنها هنوز به دست نیامده است؛ عبدالرحیم هروی خطاط بسیار برجسته‌ای بود و از آثارش علاوه بر وصلی می توان از نسخه‌های خطی بسیار زیبایی از جمله خلاصه‌ی کلیله

نمونه‌هایی از خطاطی رنگی و خطاطی بر روی کاشی در بناهای تاریخی بیدر از آثار دو هنرمند پر استعداد ایرانی به نام‌های شکرالله قزوینی و علی الصوفی هستند. شکرالله قزوینی با مهارت خاصی با رنگ‌های روشن بر روی زمینه‌های طلایی، سبز، فیروزه‌ای و سیاه براق به سبک فارسی، شجره‌نامه‌ی کامل شاه نعمت‌الله ولی حسینی را به دستور سلطان، بر روی سنگ نوشت. علی الصوفی نیز متن قرآن را با خط ثلث و به رنگ زرد بر روی کاشی‌های آبی رنگی خطاطی نمود که نمونه‌ای از شاهکارهای هنر خطاطی است.

می توان گفت هم در شمال و هم در جنوب شبه قاره، هنر خطاطی به عنوان یک شعبه‌ی هنری مستقل در ربع دوم قرن شانزدهم میلادی مقام رفیعی برای خود ایجاد نمود و این مسئله بعد از آنکه همایون هنرمندانی را با خود از ایران آورد، اتفاق افتاد. موقعیت این هنر در زمان اکبر فرزند همایون (۱۶۰۳-۱۵۵۴ میلادی) و با استفاده از کاغذ ویژه‌ی خطاطی به اوج خود رسید. دربار اکبر، جهانگیر و شاه جهان و نیز امیری چون میرزا عبدالرحیم خان خانان، خطاطان برجسته‌ای را از ایران و همچنین آسیای مرکزی که از لحاظ فرهنگی بسیار به ایران نزدیک بود، جذب نمود. این هنرمندان و شاگردان هندی آنها نمونه‌های خطاطی بسیار عالی را بر روی کاغذ و سنگ از خود برجای گذاشتند.

متأسفانه نمونه‌های خطاطی میرعبدالصمد شیرین رقم، سید علی و امثال آنها که در دربار همایون بودند، در دسترس نیست. یکی دیگر از خطاطان معروف آن زمان خواجه محمود بن اسحاق

از اواخر قرن
 هجدهم و اوایل قرن
 نوزدهم میلادی
 شاهد جریان
 تازه‌ای از مهاجرت
 خطاطان ایرانی به
 حیدرآباد، مرشد آباد
 و مناطق دیگر
 هستیم که حکمرانان
 آنها از حامیان و
 مشوقان هنرمندان و
 ادیبان بودند



خطاطان برجسته‌ی دربار عادل شاهیان عبارت بودند از: عبداللطیف بن مصطفی مجلسی و عبدالحلیم بن مصطفی عادلشاهی. آلبومی از آثار خطاطی با کیفیت بسیار بالای آنها در موزه‌ی سالار جنگ موجود است. همچنین نسخه‌هایی از مجموعه‌ی ترانه‌های دکنی ابراهیم عادل‌شاه دوم به نام کتاب نوری که توسط عبداللطیف عبدالرشید و به خط نسخ کتابت شده‌اند، در کتابخانه‌های آرشیو ایالتی آندراپرادش و موزه‌ی سالار جنگ موجود می‌باشند. گفته می‌شود نسخه‌ی دیگری از همین کتاب که توسط عبدالحلیم بن عبداللطیف به نسخ کتابت شده، در کلکسیون شخصی پرفسور حسین علی خان در شهر حیدرآباد موجود است. عبدالرشید نسخه‌ای بسیار عالی از التالیات را نیز به خط نسخ کتابت نمود که در موزه‌ی سالار جنگ می‌باشد. یوسف ابراهیم شاهی نسخه‌ای از کتاب شیرین و خسرو ملأ هاتفی را به خط نستعلیق بسیار ظریف در سال ۱۵۶۸ م. کتابت نمود که جزو کتاب‌های کتابخانه خدابخش پتنا می‌باشد. از دیگر خطاطان زبردست بیجاپور، عصمت الله است که نسخه‌ی بسیار زیبایی از کتاب نوری به خط نسخ از وی به جا مانده و هم اکنون در موزه‌ی ایالتی حیدرآباد نگهداری می‌شود. گفته می‌شود که وی نسخه‌ای از کتاب اسکندر منشی به نام تاریخ عالم آرای عباسی (تاریخ دوران شاه عباس کبیر) را نیز کتابت نموده است. یکی دیگر از خطاطان بسیار ممتاز بیجاپور شاه خلیل الله

نمونه از وصلی‌های وی که به سال ۱۶۷۵ م. کتابت شده هم اکنون در کتابخانه‌ی آکسفورد نگهداری می‌شود؛ محمد اسماعیل عاقل (یا غافل) مازندرانی که به استادی در ثلث، ریحان، رفاع و نستعلیق شهرت داشت؛ شاعر معروف محمد سعید اشرف مازندرانی که خطاطی بسیار عالی و استاد دختر هنرمند اورنگ زیب، زیب النساء بود؛ علی رضا گیلانی و حاجی اسماعیل سبزواری، از دیگر خطاطان دوران اورنگ زیب می‌باشند. در میان خطاطان دکن در دربار نظام شاهیان به نام عبدالقادر الحسینی شیرازی (که بر طبق اظهارات مرحوم دکتر بیانی به سبک سلطان محمود خندان می‌نوشت) برمی‌خوریم، وی همچنین از یکی از نسخ صد کلمه از حضرت علی بن ابی‌طالب نام می‌برد که توسط فردی به نام عبدالقادر حسینی (بدون ذکر نسبت شیرازی وی) به خط ریحان و نستعلیق (و ترجمه‌ی فارسی آن به نستعلیق) کتابت شده است. دکتر بیانی نتوانسته تاریخ دوران وی را دقیقاً تعیین کند و تنها به ذکر قرن نهم و دهم هجری بسنده نموده است. خوشبختانه دو کتیبه از وی که به خط ثلث و نسخ بسیار عالی و در سال ۹۹۰ هـ (۱۵۸۲ م) نوشته شده‌اند در یکی از بخش‌های ایالت مهاراشترا در صد کیلومتری شرق اورنگ‌آباد وجود دارد. این دو کتیبه با رفاع تزئین شده‌اند و خطاط در پایین این کتیبه‌ها نام خود را تراپ قدم امیرالمؤمنین عبدالقادر الحسینی ذکر نموده است.

نمونه‌های خط وی بر روی کاغذ موجود نیست اما کتیبه‌ای سنگی که وی به دستور جهانگیر برای مقبره‌ی اکبر در سکندر (نزدیک آگرا) به خط بسیار عالی نسخ در سال ۱۶۱۳ میلادی نوشت، گواه استادی وی در این هنر می‌باشد.

دوران شاه جهان از نظر معماری و خطاطی یکی از دوران‌های طلایی هنر در شبه قاره به شمار می‌رود. در این دوران ما شاهد ورود ایرانیان به هند از اقشار مختلف جامعه و با موقعیت‌های مختلف از جمله امرا، دانشمندان، شعرا و هنرمندان هستیم. عبدالحق شیرازی که سمت کتابدار کتابخانه‌ی سلطنتی شاه جهان را داشت و همچنین برخی کارهای دیگر از جمله همراهی فرستادگان ایرانی به دربار را نیز انجام می‌داد. وی لقب امانت خان گرفت و به خاطر خطاطی استثنایی‌اش در تاج محل آگرا منصبی نیز به وی داده شد. این حقیقت که وظیفه‌ی خطاطی تزیینی بنای تاریخی تاج محل که یک شاهکار معماری به شمار می‌رود، به وی سپرده شد، خودگواه تبحر بی‌مثال وی در این هنر است. از دیگر نمونه‌های خطاطی وی در بناهای تاریخی، از دو کتیبه‌ی آیات قرآنی در «مسجد شاهی» آگرا که به خط بسیار عالی ثلث در سال ۱۶۳۶ م کتابت شده‌اند، می‌توان نام برد. اما از نظر بصری ظریف‌ترین آثار وی دو کتیبه‌ی تقریباً ناشناخته می‌باشند که بر سر در دروازه‌ی سرایی در قریه‌ای که به نام وی سرای امانت خان نام گرفت در چهار کیلومتری اتاری در مرز هند و پاکستان در بخش امریتسر قرار دارند. امانت خان بعد از بازنشستگی روزهای آخر زندگی‌اش را در همین سرای گذراند و پس از مرگ در همان‌جا به خاک سپرده شد. دکتر عبدالله چغتائی اولین کسی بود که توجه‌اش به این محل جلب شد، اما به نظر نمی‌رسد آنجا را دیده باشد، زیرا ذکر وی از این کتیبه‌ها و معماری خوب مقبره این هنرمند برجسته به میان نیآورده است. این دو کتیبه نیز به خط بسیار عالی ثلث می‌باشند و در سال ۱۶۴۰ م نوشته شده‌اند که یکی از آنها شامل قطعه شعری از خود وی درباره‌ی ساختن آن سرای است. باعث تأسف است که به این دو دروازه بسیار با شکوه و کتیبه‌های بسیار زیبا و کاشی‌کاری آنها دیگر توجهی نمی‌شود. به احتمال قوی عبدالحق امانت‌خان طراح کتیبه‌های قرآنی بخش اعظم داخل و خارج چینی‌کا روضه در آگرا (که می‌گویند مقبره‌ی برادر وی میرزا شکرالله شیرازی ملقب به افضل خان، نخست وزیر شاه جهان است) می‌باشد. این کتیبه‌ها با کاشی‌های آبی، زرد و سبز بسیار روشن ساخته شده‌اند. یکی دیگر از خطاطان برجسته‌ی دربار شاه جهان عبدالرشید دیلمی، خواهرزاده‌ی میرعماد قزوینی معروف به آقارشیدا است که عده‌ای از وصلی‌های وی در هند و خارج از هند موجود می‌باشد. در اینجا صرفاً به ذکر همین بسنده می‌کنیم که وی درخواستی به شاه جهان به خط بسیار زیبای نستعلیق نوشت و در پشت آن تصویری از منظره‌ی تقدیم آن درخواست را نیز نقاشی نمود. این اثر اکنون در موزه‌ی قلعه‌ی سرخ دهلی است.

دیگر خطاط برجسته‌ی این دوره محمد امین مشهدی می‌باشد که نمونه‌های زیبایی از خط نستعلیق از خود به جای گذاشته است که از آن جمله موارد زیر را می‌توان نام برد: تابلویی در کتاب مرآت العالم بختاور خان؛ دوره‌ی اول ده

ساله‌ی تاریخ پادشاه‌نامه ملاعبدالحمید لاهوری (تاریخ ۲۰ سال اول حکومت شاه جهان) که به خط نستعلیق بسیار زیبا نوشته شده است در حال حاضر در موزه‌ی شخصی ملکه‌ی الیزابت دوم انگلستان در کاخ ویندرس می‌باشد. کتیبه‌ای نیز به خط نستعلیق و با حروف درشت و کوچک برای سرای اسحاق بیگ یزدی ملقب به حقیقت خان در شهر سورت (گجرات) نوشت که در حال حاضر در موزه‌ی پرنس ویلز (Prince of Wales Museum) در بمبئی نگهداری می‌شود. نسخه‌ی دیگری از کتاب عبدالحمید لاهوری که به خط نستعلیق بسیار عالی توسط محمد صالح الکاتب نوشته شد در حال حاضر در انجمن آسیایی کلکته نگهداری می‌شود. براساس شواهد موجود این فرد با میرمحمد صالح که از خطاطان تراز اول کتابخانه‌ی شاه جهان بوده و نسخ خطی زیادی به مهر وی مهمور می‌باشد، یکی نیست.

بعضی دیگر از خطاطان ایرانی این دوره عبارتند از: عبدالباقی موسوی که تعداد قابل توجهی از وصلی‌های وی در کلکسیون‌های هند و خارج از هند یافت می‌شود؛ عبدالباقی حداد، پزشک و شاعر معروف حکیم رکن الدین مسیح کاشی معروف به حکیم رکن است که از جمله کتاب‌هایی که کتابت آن را به وی نسبت می‌دهند، گلستان سعدی متعلق به سال ۱۶۲۷ م است. اسپرینگر در فهرست نسخ خطی فارسی و هندوستانی موجود در کتابخانه‌ی اوده از آن به عنوان زیباترین اثری که دیده، نام می‌برد. این کتاب اکنون در کتابخانه‌ی کومن ویلت (Common Wealth) لندن نگهداری می‌شود؛ نعمت الله بن علی شیرالسباع کتاب لوايح جامی را به خط نستعلیق بسیار عالی کتابت نمود. این کتاب در کتابخانه‌ی موزه‌ی سالار جنگ حیدرآباد موجود است؛ درویش شاه حسین بن مولانا محمد رضا اصفهانی با همکاری علی مردان خان و به هنگام لشکرکشی گورکانیان به بلخ کلیات سعدی را در سال ۱۶۴۷ میلادی به خط نستعلیق و با کیفیت بسیار بالا کتابت نمود. این کتاب هم اکنون در کتابخانه‌ی خدابخش پتنا نگهداری می‌شود؛ مولانا جدولی و علی بن عبدالرحیم یحیی کاشی لاهیجانی در کتابخانه‌ی شاه جهان کار می‌کردند. آثار خطاطی آنها موجود نیست اما بعضی نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی سلطنتی آن زمان که مهمور به مهر یحیی می‌باشند، دیده شده‌اند؛ و بالاخره محمد سعید لاهیجانی مشهور به سعیدای گیلانی که مسئول زرگر خانه‌ی سلطنتی بود.

ورود خطاطان ایرانی در زمان اورنگ زیب نیز ادامه و هنر خطاطی زیر نظر عبدالباقی حداد که ذکرش در بالا آمد، تا زمان مراجعت وی به وطنش همچنان رونق داشت. نسخه‌هایی از قرآن توسط وی کتابت شده‌اند. محمد عارف هروی یاقوت رقم، سید علی تبریزی جواهر رقم که به سمت استادی اعضای خانواده سلطنتی منصوب گردید تا به آنها هنر خطاطی را بیاموزد و همچنین پسر وی شمس‌الدین علی خان که او نیز ملقب به جواهر رقم بود و از جمله آثارش کتاب مناجات اهلی شیرازی به خط نستعلیق در سال ۱۶۶۹ م. می‌باشد؛ محمد باقر بن زین الدین حسینی که وی نیز به سمت استادی پسران اورنگ زیب منصوب گردید و با همکاری بختاور خان سفینه‌ها و مرقع‌ها را گردآوری نمود که هم اکنون جزو مجموعه‌ی موزه‌ی قلعه‌ی سرخ دهلی می‌باشد و یک

به هر حال به نظر
می‌رسد که هنر خطاطی
در دکن از نظر کمی و
کیفی در دربار قطب
شاهیان گلکنده به حد
اعلای خود رسید، زیرا که
به دلیل هم مذهب بودن
حکمرانان این سلسله با
ایرانیان، تعداد زیادی از
سیاستمداران، دانشمندان،
شعرا، هنرمندان و
بازرگانان ایرانی جذب
قلمرو آنها شدند

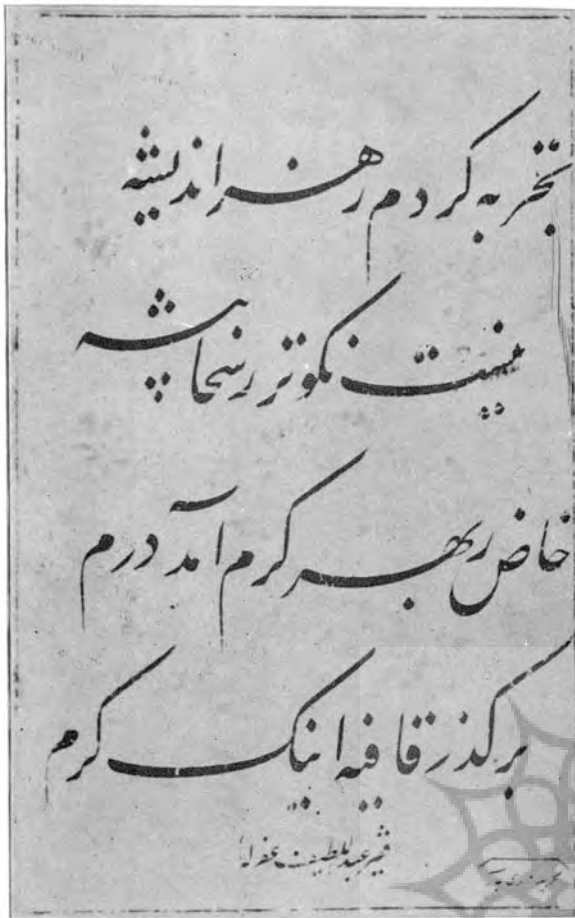


وصلی‌های وی در مرقع محمد صالح هم اکنون در کتابخانه‌ی اوقاف استانبول نگهداری می‌شود دکتر بیانی که از صاحب‌نظران برجسته‌ی این هنر می‌باشد، آن را عالی، بلکه ممتاز می‌داند. باعث تأسف است که بعضی از نمونه‌های این چنین برجسته‌ی خطاطی کلکسیون‌های هند، به دلیل گرایش غیرقابل توضیح متصدیان نگهداری آنها، حتی از دید افراد دانشمندی چون دکتر بیانی پنهان می‌ماند. وصل دیگری از میرعرب که در موزه‌ی قلعه‌ی سرخ نگهداری می‌شود، نمونه‌ی بسیار ظریفی از خط نستعلیق در این دوران می‌باشد. اگرچه تنها دو نمونه از خطاطی وی تاکنون شناخته شده است اما کتابت بیش از نیم دو جین نسخه‌ی خطی را به وی نسبت می‌دهند که همگی آنها به خط نستعلیق بسیار عالی کتابت شده و هم اکنون در کتابخانه‌ی خدابخش پتنا می‌باشند؛ از آن جمله، ترجمه‌ی فقه رضوی که ترجمه‌ی فارسی یکی از کتاب‌های عربی در مورد فقه شیعه می‌باشدو آن را به امام علی بن موسی الرضا (ع) نسبت می‌دهند و توسط شخصی به نام قاضی محمد و تحت نظارت میر مؤمن استرآبادی نخست وزیر قطب شاهیان گردآوری و در سال ۱۶۲۵ میلادی به نسخ و نستعلیق بسیار عالی کتابت شد؛ اختیارات قطب شاهی نوشته‌ی میر محمد مؤمن استرآبادی که به نستعلیق در سال ۱۶۳۱م. کتابت شد، ذخیره الملوک که به دستور خاندان سلطنتی و به خط نستعلیق در سال ۱۶۴۱م. کتابت شد، مفاتیح

در دوران حکومت محمد قطب شاه (جانشین محمد قلی) که شاید تحصیل کرده‌ترین حکمران این سلسله بود و علاقه فراوانی به کتاب داشت، یکی از خطاطان درباری به نام محمدحسن که نسبش به ایرانیان می‌رسید، نسخه‌ی بسیار زیبایی از دیوان حافظ را در کتابخانه‌ی سلطنتی به خط نستعلیق کتابت نمود.

خطاط دیگری به نام عبداللطیف کتاب روضة‌الابرار را که تفسیری بود بر نهج‌البلاغه به سال ۱۰۱۸ م به نسخ و نستعلیق کتابت نمود. یک سال قبل از آن وی دیوان مجید همگر را که شاعری ایرانی بود، به خط نستعلیق در حیدرآباد کتابت نموده بود. نسخه‌ی دیگری از کتاب نسب نامه توسط شاه علی بن ابومحمد در سال ۱۶۱۴ م و به خط نستعلیق بسیار عالی در کتابخانه‌ی سلطنتی حیدرآباد کتابت شده بود. این نسخه که صفحات مربوط به تصویرهای آن خالی مانده، در حال حاضر در کتابخانه‌ی انجمن آسیایی کلکته می‌باشد.

از دوران حکومت آخرین حکمران این سلسله یعنی عبدالله قطب شاه که پیوسته از سوی گورکانیان در فشار قرار داشت، تعداد قابل ملاحظه‌ای از نمونه‌های هنر خطاطی که بیشتر آنها نسخه‌های خطی می‌باشند، به جای مانده است. از برجسته‌ترین خطاطان دربار وی از میرمحمد مؤمن شیرازی ملقب به عرب شیرازی را می‌توان نام برد. نمونه‌های بسیار زیبایی از



در دوران
حکومت محمد
قطب شاه که شاید
تحصیل کرده‌ترین
حکمران این سلسله
بود و علاقه
فراوانی به کتاب
داشت، خطاطی به
نام عبداللطیف
کتاب روضة الابرار
را که تفسیری بود
بر نهج البلاغه به
سال ۱۰۱۸ م. به نسخ
و نستعلیق کتابت
نمود

بیانگر سهم عظیم هنرمندان ایرانی در این زمینه هستند. خوشبختانه تعداد زیادی از نسخه‌های خطی کتابت شده توسط خطاطان متبحر ایرانی در حیدرآباد از طریق فهرست‌های تهیه شده، شناخته شده‌اند؛ برای مثال محمد سعید بن مسعود الهروی که خود را خدمتکار ابراهیم قطب شاه معرفی می‌کند، ثمانیه امیر خسرو را در سال ۹۷۴ هـ (۱۵۶۴ میلادی) برای کتابخانه‌ی سلطنتی کتابت نمود و گفته می‌شود که در حال حاضر در کتابخانه‌ی سلطنتی ایران محفوظ است. چند سال بعد فردی به نام علاء‌الدین تبریزی کتاب نزهة الارواح میرسادات حسینی و کتاب لوائح جامی را به نستعلیق بسیار زیبا کتابت نمود که جزو مجموعه‌ی کتابخانه‌ی موزه‌ی سالار جنگ می‌باشد. در ضمیمه لوائح تأییدی محمد قطب شاه نیز دیده می‌شود. یکی از خطاطان برجسته اما گمنام دوران محمد قطب شاه، زین‌الدین علی شیرازی می‌باشد که یکی از وصلی‌های وی که به خط نسخ بسیار عالی نوشته شده و امضای وی نیز در پایین آن آمده است، در موزه‌ی ملی دهلی نگهداری می‌شود. یک نمونه‌ی خط نستعلیق حبیب‌الله گیلانی، یکی دیگر از خطاطان این دوره، در نسخه‌ی خطی مصور تاریخ این سلسله، موسوم به نسب‌نامه‌ی قطب‌شاهی که توسط یکی از شعرای ایرانی سروده شده و به سال ۱۶۱۰ میلادی در حیدرآباد کتابت گردیده، به چشم می‌خورد این نسخه‌ی خطی هم اکنون در موزه‌ی هنر لوس‌آنجلس آمریکا نگهداری می‌شود.

باخرزی است که نسخه‌ای از کتاب نورس را کتابت نمود و به عنوان پاداش لقب پادشاه قلم گرفت. گفته می‌شود که تعداد زیادی از وصلی‌های وی در مجموعه‌های ایران و هند یافت می‌شوند. محمد باقر کاشی برای اولین بار از ایران به بیجاپور آمد و بعدها به آگرا رفت. از میان دیگر خطاطان دربار عادل‌شاهیان می‌توان از سیدمصطفی المختار الحسینی و علی‌رضا شیرازی نام برد که وصلی‌های بسیار عالی آنها به خط نستعلیق جزو آلبوم‌های موزه‌ی سالار جنگ می‌باشند.

به هر حال به نظر می‌رسد که هنر خطاطی در دکن از نظر کمی و کیفی در دربار قطب‌شاهیان گلکنده به حد اعلای خود رسید، زیرا که به دلیل هم‌مذهب بودن حکمرانان این سلسله با ایرانیان، تعداد زیادی از سیاستمداران، دانشمندان، شعرا، هنرمندان و بازرگانان ایرانی جذب قلمرو آنها شدند. باعث تأسف است که تاریخ هنر و ادبیات زمان قطب‌شاهیان به خوبی ضبط نشده است. تعداد قابل ملاحظه‌ای از نمونه‌های خطاطی این دوره (کتیبه‌های سنگی و خطاطی‌های بر روی کاغذ) گواه این حقیقت است که هنر خطاطی (به خصوص نسخ و نستعلیق) در این دوران از کیفیت بسیار بالایی برخوردار بوده و بیشتر خطاطان این زمان را ایرانیان تشکیل می‌دادند. بسیاری از نمونه‌های خطاطی بر روی بناهای قدیمی که بدون شک از کتیبه‌های زمان قطب‌شاهیان می‌باشند، متأسفانه امضا ندارد، اما آن تعداد کمی که امضا دارند به خوبی

الاعجازی شرح گلشن راز که به خط نستعلیق عالی و در سال ۱۶۴۶ م. کتابت شد، و بالاخره چهارمقاله ی عروضی کتابت شده در کتابخانه سلطنتی حیدرآباد به سال ۱۶۴۸ م.

اسماعیل شیرازی پسر عرب شیرازی نیز از خطاطان طراز اول زمان خود بود و این مسئله به خوبی از کتیبه‌ای که وی برای مسجدی در گلکنده به خط نستعلیق درست کرده، مشهود است. محمد باقی که ظاهراً نسخه‌ای از یک کتاب حدیث شیعی به نام تذکره الکلام را که هم اکنون در موزه‌ی سالار جنگ می‌باشد، به سال ۱۶۵۸ میلادی به خط نسخ عالی کتابت نمود، به احتمال زیاد پسر دیگر میر عرب شیرازی می‌باشد. نظام‌الدین احمد پسر علی السعیدی شیرازی نویسنده‌ی مشهور حدیقه السلاطین (تاریخ دوران عبدالله قطب شاه) نیز از خطاطان دربار بود که در نسخ و نستعلیق مهارت خاصی داشت. بعضی از آثار کتابت شده توسط وی مانند نفایس الفنون فی عرائس العیون، اختیارات قطب شاهی، تاریخ قطبی (یا تاریخ الهی نظام شاه خور شاه بن قطب الحسینی) و بخشی از حبیب السیر در کتابخانه‌ی موزه‌ی سالار جنگ دیده می‌شوند.

خطاطان دیگر قطب شاهی که آثارشان شناخته شده‌اند، عبارتند از: حسن کتابدار خوشنویس خانی که ترجمه‌ی فارسی اربعین موسوم به ترجمه‌ی قطب شاهی را که توسط شیخ محمد بن خاتون (نخست وزیر دربار قطب شاهیان) گردآوری شده بود، به خط نستعلیق خیلی خوب کتابت نمود. این نسخه در کتابخانه‌ی موزه‌ی سالار جنگ نگهداری می‌شود؛ میرزا محمد تقی تبریزی که یکی از وصلی‌های وی نیز در همان کتابخانه نگهداری می‌شود؛ محمد تقی کاشانی که براساس اظهارات امین احمد رازی نویسنده‌ی کتاب هفت اقلیم در دکن زندگی می‌کرد و خط نستعلیق را بسیار عالی می‌نوشت؛ حسن بن عبدالله البحرانی که یکی از آثار وی که در مورد فقه شیعی است و به سال ۱۶۳۴ م. خطاطی شده در کتابخانه‌ی موزه‌ی سالار جنگ می‌باشد؛ حسن بن علی بن محمد شیرازی که کتاب ارشاد الاذهان را به نسخ بسیار ظریف در سال ۱۶۷۳ م. کتابت نمود. این کتاب نیز در کتابخانه‌ی موزه‌ی سالار جنگ نگهداری می‌شود؛ محمد صادق بن جعفر الحلبی النخجوانی که یکی از آثارش به سال ۱۶۷۵ م. کتابت شده و در مورد فقه شیعه می‌باشد. این کتاب نیز در همان کتابخانه نگهداری می‌شود.

تعداد قابل ملاحظه‌ای از خطاطان ایرانی نیز بوده‌اند که تنها از روی کتیبه‌های خود بر روی بناهای تاریخی شناخته شده‌اند. اینجانب مقاله‌ای را در این موضوع، در اولین سمینار منطقه‌ای روابط فرهنگی فی ما بین ایران و شبه قاره که مشترکاً توسط مؤسسه‌ی تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی تهران در سال ۱۹۹۳ م. در اسلام‌آباد (پاکستان) برگزار شد، ارائه نمودم. بنابراین بدون ذکر جزئیات تنها به ذکر نام آنها بسنده می‌نمایم. این خطاطان عبارتند از: معیث القاری شیرازی و پسرانش ناصر و حبیب المرشدی شیرازی در قرن پانزدهم میلادی، محمد بن صدرالدین اصفهانی، شهاب المعامی، ابوطالب بن قاسم حسین زرین قلم و ابوطالب بن موسی الحسینی روشن قلم در قرن شانزدهم؛ باباخان، جلال‌الدین محمد بن جمال‌الدین حسین الفخار شیرازی که ظاهراً پدرش نیز از خطاطان برجسته بوده و حداقل دو نمونه از وصلی‌های بدون تاریخ

وی که به نام حسین الفخار شیرازی الاتابکی امضا شده‌اند، در موزه‌ی سالار جنگ نگهداری می‌شوند و نیز دو نمونه آثارش به نام‌های بهجت المباحج که به سال ۱۵۴۴ م. کتابت و به نام جمال‌الدین ملقب به حسین الفخار شیرازی امضا شده و کتابی از سخنان حضرت علی بن ابی‌طالب را که می‌گویند در کتابخانه‌ی استانبول می‌باشد، در سال ۱۵۴۴ م. کتابت و به نام جمال‌الدین حسین فخار امضا نموده است؛ لطف الله الحسینی تبریزی، خلف تبریزی که به عقیده‌ی اینجانب پدر مؤلف کتاب برهان قاطع محمد حسین تبریزی می‌باشد؛ محمد صالح بن حسین البحرانی، محمد علی جان مشهدی، تقی‌الدین محمد صالح البحرانی، قمرالدین محمد بن مختار خان یکی از پسران بنومختار سید سبزواری، و میرزا محمد بن محمد شریف یمنی که شاعر نیز بود. لازم به توضیح است که تقریباً تمامی این خطاطان در هند اسکان گزیده بودند و بعضی از اولاد آنها نیز خطاطان بسیار خوبی بوده‌اند. از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی شاهد جریان تازه‌ای از مهاجرت خطاطان ایرانی به حیدرآباد، مرشد آباد و مناطق دیگری هستیم که حکمرانان آنها از حامیان و مشوقان هنرمندان و ادیبان بودند. از میان خطاطان مرشد آباد کسانی مانند امام قلی شیرازی و عبدالعلی اصفهانی را که آثارشان در موزه‌ی سالار جنگ نگهداری می‌شوند، می‌توان نام برد. در حیدرآباد فردی که به نام محمدرضا بن تقی تبریزی ملقب به مسکین قلندر لاقل ۶ نسخه از قرآن مجید را به خط نسخ عالی کتابت نمود که در موزه‌ی سالار جنگ می‌باشند. گفته می‌شود یکی از آنها هفتاد و پنجمین نسخه از یکصد نسخه‌ای است که وی قصد کتابت آنها را داشت.

خطاطان دیگر قرن نوزدهم میلادی که نمونه‌های عالی خط نسخ و نستعلیق آنها در این موزه نگهداری می‌شوند عبارتند از: محمد حسین بن محمد حسین الطبسی، میرزا فضل علی بیات، حافظ محمد باقر زرین قلم، محمد علی همدانی، احمد الشرف الهروی، علی اکبر الخمری الموسوی، میرزا محمد ابراهیم شیرازی (نسخه‌ای از تحفه الوزراء که وی به نسخ کتابت نموده در کتابخانه همان موزه می‌باشد. وی به احتمال قوی پسر خطاط مشهور ایرانی میرزا وصال کوچک شیرازی است)، محمد حکیم پسر دیگر میرزا وصال که به شیراز مراجعت نمود و در همانجا درگذشت، عبدالکریم طباطبایی که خط شفیعا را بسیار عالی می‌نوشت و کتاب لوابیح را برای نواب مختارالملک نخست وزیر حیدرآباد کتابت نمود. بعضی از این استادان خط به افراد خاندان آصف جاهی نیز تعلیم خط می‌دادند.

این مطالعه‌ی اجمالی بدون ذکر نام خطاطان ایرانی که بیشتر آنها در قرن نوزدهم میلادی از شیراز به بمبئی آمده و مروج انتشار آثار کلاسیک فارسی شدند، ناقص خواهد ماند. فردی به نام میرزا محمد ملک الکتب شیرازی که خود خطاط نیز بود، یک موسسه‌ی انتشاراتی را در بمبئی تأسیس نمود که آثار برجسته‌ی خطاطی نستعلیق ایرانی مانند تاریخ و صاف، انوار سهیلی، اخلاق ناصری، مثنوی مولانا رومی، دیوان حافظ، کنزالمسائل و غیره را منتشر کرد. از جمله کاتبان این آثار، فرزندان خانواده‌ی میرزا وصال شیرازی مانند میرزا محمد ابراهیم و میرزا محمد حکیم را می‌توان نام برد.